

## افتخار بر خیزش دلاورانہ مردم مشهد!

### شورش بر حق است!

توده های محروم و ستمدیده، سالگرد مرگ خمینی را با شور انقلابی، با فریادهای خشم آگین "مرگ بر جمهوری اسلامی" و با به آتش کشیدن مظاهر ارتجاع و امپریالیسم، جشن میگیرند. این جشنی قدرتمند، زیبا و واقعی است. شورش قهرمانانه مردم مشهد، در زمانی رخ داد که مرتجعین حاکم مذبحخانه میکوشیدند تا انتخابات کذائی و آبرویافته شان را بعنوان نشانه قدرتمند بودن جا بزنند؛ در روزهایی که با صرف مخارج هنگفت دزدیده شده از دسترنج مردم، در آستانه برگزاری مراسم عزای امام مرده شان بودند؛ در زمانی که تمام دستک و دمبک و شگردهای رذیلانه آخوندی شان را بکار گرفته بودند تا بگویند که "مردم پشتیبان ما هستند!" درست در این هنگامه ارتجاعی آنچنان توی پوزه شان زده شد که نشئه را از سرشان پراند و خواب خوششان را به کابوسی تلخ مبدل ساخت. چقدر دشمن ضعیف و زبون است و چقدر نیروی توده ها میتواند پر قدرت باشد.

خیزش قهرمانانه و کاملاً سیاسی توده های ستمدیده، آنهم در شهری که قرار است پایگاه اسلام و ایدئولوژی اسلامی باشد، ضربه ایدئولوژیکی سختی به دشمن وارد آورد. توده ها با عمل انقلابی خود به رژیم اسلامی حالی کردند که همان بلائی را بر سرش خواهند آورد که بر سر رژیم تبهکار شاه آوردند و آینده تیره و تار او را در صحنه مبارزه ای قهرمانانه و تحسین برانگیز برایش بنمایش گذاردند. مردم بپا خاسته، با حمله به مراکز نیروهای مسلح دشمن و فراری دادن آنها، با کشتن دست کم 9 تن از مزدوران سپاه پاسداران، با به آتش کشیدن بیش از 100 نهاد و موسسه دولتی و داغان کردن دهها وسیله نقلیه ارتشی، با حمله به زندان و تلاش برای آزاد سازی زندانیان و ... قدرتمندترین بیانیه ضد جمهوری اسلامی را صادر کردند. مشهد برای مدت چهار شبانه روز به میدان نبردی سخت تبدیل شد و توده ها سرمست از برپائی آتشی بودند که در حول و حوش مناره های مساجد و دیگر مظاهر ظلم و ستم، زبانه میکشید.

مبارزه مردم مشهد، از پر اهمیت ترین اعتراضات توده ای تمامی سالهای پس از انقلاب 57، میباشد. این مبارزه نقطه چرخشی مهم در چهره سیاسی جامعه محسوب میشود. اینبار این توده ها بودند که با شورش انقلابی خود، ابتکار عمل را از رژیم گرفته و یکبار دیگر نشان دادند که چه کسی به حق است و باید سرنوشت جامعه را بدست گیرد و چه کسی ناحق است و باید بگور سپرده شود. این جنبش بسیاری را بیدار کرده و به تکان واداشت و به توده های ستمدیده سراسر کشور قوت قلب داد. امروز مردم ما در همه جا با شادی و مسرت از خیزش و اعمال انقلابی و انتقامجویانه مردم مشهد صحبت کرده و بدان می بالند. افتخار بر شورشگران مشهد!

نیروی طبقاتی شرکت کننده در این خیزش، فقیرترین اقشار شهری بودند. مردم محلات فقیر و زاغه نشین که عمدتاً کارگران، مهاجرین روستائی و دهقانان فقیر از زمین کنده شده، میباشند. همان کسانی که بار فشارهای اقتصادی و اجتماعی استخوان هایشان را شکسته است، کسانی که تحت سیاستهای خانمان برانداز رژیم نوکر امپریالیسم، با پیاده شدن نسخه های پیچیده شده توسط نهادهای زالو صفت امپریالیستی مانند "بانک جهانی" و "صندوق بین المللی پول"، شیره جانشان کشیده شد و نان شب خود را نیز از دست دادند؛ کسانی که اکثرشان دیگر نه کاری، نه کاشانه ای، نه تکه زمینی و بواقع دیگر هیچ چیز برای از دست دادن ندارد؛ همان نیروی خشمگین و انفجاری که تحت دو رژیم تبهکار سلطنتی و اسلامی و در نتیجه عملکرد نظام ارتجاعی حاکم، بی چیز و آواره شده و در شمار عظیم در حاشیه یا در دل شهرهای بزرگ مجتمع شده است. این نیرو، با پتانسیل انقلابی عظیمی که در خود فشرده ساخته، درست در قلب حاکمیت، نقطه قوتی مهم برای انقلاب زحمتکشان بحساب میآید. مضافاً، بخش مهمی از جمعیت این محله ها را توده های فقیر افغانی تشکیل میدهند. این ستمدیدگان، در کنار زحمتکشان هم سرنوشت ایرانی خود، تحت شدیدترین و منزجرکننده

ترین اشکال ستم و استثمار قرار گرفته اند. همان نظام ارتجاعی که شیره جان کارگران و دهقانان ایران را می کشد، به مکیدن خون زحمتکشان افغانی نیز مشغول است. بهمین دلیل است که این توده ها نزدیکترین یاران یکدیگر میباشند و توده های ستمدیده در ایران باید بدانند که بدون برقراری اتحادی بهم فشرده و مستحکم با خواهران و برادران افغانی خود قادر نخواهند بود که بر دشمنان مشترك فائق آیند.

خیزش مردم مشهد، در ابتدا بخاطر دفاع از سرپناه خود در برابر هجوم ار اذل رژیم آغاز شد، ولی بسرعت به يك جنبش سیاسی بدل گشت و بسان جرعه ای بود که حریق انقلابی را در شهر برای چندین روز موجب گردید و افشار دیگری از مردم را نیز با خود همراه نمود. هر زمان که زحمتکشان بپا می خیزند، دیگر افشار خلق هم به تکان در می آیند. در این مبارزه، مردم به دفاع از محله خود و سنگر بندی در آنجا و به آتش کشیدن ماشینهای شهرداری بسنده نکرده؛ بلکه بسرعت جنبش را به بیرون از محله کشانده و با یاری مردم مناطق دیگر، ارگانها و نهادهای رنگارنگ رژیم را هدف حمله قرار دادند. این حرکت آشکارا بیان گذر از حالت دفاع به تعرض است. مردم به رژیم اسلامی فهماندند که هر بار اوباشان بیرحم به محلاتشان حمله کرده و سقف را روی سرشان خراب کنند، با آنها مقابله به مثل شده و ساختمانهای دولتی، بانکها، قصرها و ماشینهای آخوندها و محله های آنها به آتش کشیده خواهد شد. اگر امروز مردم ما این اعمال انقلابی را بطور خودجوش انجام میدهند، پس کاملاً توانائی و جرات آنها دارند که در آینده بطور مستمر و سازمان یافته و برنامه ریزی شده، اینچنین کنند.

در پیشاپیش این مبارزه، نیروی جوان طبقات محروم جامعه قرار گرفته بود. نیروئی تازه نفس و آرامش ناپذیر که از اعماق جامعه سربلند کرده و با شور انقلابی اعلام میکند که: ما حاضر نیستیم به اینهمه فلاکت و خفت تن دهیم؛ ما تسلیم وضعی نکتبتار کنونی نخواهیم گشت. از همان روز آغاز مبارزه در مشهد، محصلین و نوجوانان فعالانه به حمایت از مردم محروم خود برخاسته و نقش مهمی در دامن زدن و تداوم اعتراضات توده ایفا نمودند. 6 دانش آموز در همان روز اول، جان خود را در درگیری با قوای دشمن از دست دادند. سمتگیری جنبش دانش آموزی با جنبش زحمتکشان و تاثیرپذیری از آن، از اهمیت بسیاری برخوردار است و یادآور روحیات انقلابی سالهای پیش از انقلاب 57 میباشد. این نیرو، که هیچ آینده ای را برای خود تحت نظام ارتجاعی حاکم متصور نیست، پر جرات و در آرزوی فردائی روشن و انقلابی، پنجه در پنجه دشمن انداخته و او را به مصافی هولناک فرا میخواند. درود بر نسل نوین انقلابی!

آماج حملات توده ها در شهر مشهد، هم از لحاظ وسعت و تنوع و هم درجه قهر و خشم بکار رفته، در نوع خود کم سابقه بود. مردم جان به لب رسیده، هیچ کس و هیچ چیز را بی نصیب نگذارند. آنها با جهتگیری صحیح و انقلابی چندین پاسگاه پلیس و شهربانی و مراکز سپاه، زندان، چندین ساختمان و اداره دولتی مانند شهرداری، دادگستری، اداره کشاورزی، اداره اقتصاد و دارائی، دفتر تبلیغات اسلامی و دهها شعبه بانک را مورد حمله قرار داده و بسیاری را در آتش سوزاندند. تمامی این آماج، نماینده سلطه دولتی است که تا مغز استخوان ارتجاعی و جنایتکار است و از طریق همین نهادها به سرکوب نظامی و بهره کشی از مردم می پردازد. مردم هشیار، دشمنان خود را خوب می شناسند. شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر رفسنجانی و خامنه ای" و بزیر کشیدن و آتش زدن عکسهای خمینی و سران حکومتی، انعکاس این هشیاری است و بیان اینکه توده های تحتانی جامعه به هیچ چیز کمتر از واژگونی این نظام کهنه و حافظین جنایتکارش راضی نمیباشند. توده های قهرمان، علاوه بر حمله به مراکز سیاسی و اقتصادی رژیم، به مراکز ایدئولوژیک و ارگانهای نظامی آن هم حمله کردند. در حمله به دفتر تبلیغات اسلامی و کتابخانه شهر، هزاران جلد کتب اسلامی و قرآن در آتش سوخت. این آماج، بیان شعور بالای سیاسی مردم است. آنها به تجربه و با هشیاری طبقاتی خود دریافته اند که تحمیق مذهبی از حربه های بسیار مهم رژیم برای انداختن یوغ فقر و بندگی به گردن آنان است. رژیم در تبلیغات خود علیه شورشگران مشهد سعی میکند از مسئله سوخته شدن قرآن برای مرعوب کردن توده ها

و پوششی برای جنایاتی که مرتکب میشود و همچنین ایجاد تفرقه در صفوف مردم استفاده کند. اما این تاکتیک زبونه دیگر برائی ندارد. این رژیم در تمام طول عمر خود برای ایجاد وحشت و واهمه در دل توده ها از طناب دار و "غضب خدا" استفاده کرد. اکنون توده ها هر دوی این طلسم ها را شکسته اند. آنان از طناب دار رژیم و از "خدا"ی آنها هراسی ندارند. کار توده ها عالی بود. در حمله به قوای انتظامی و مراکز آنها، توده ها موفق شدند که چند کلانتری را خلع سلاح کرده، اسلحه ها را بکار برده و مزدوران ارتجاع را فراری دهند. این عمل بسیار ارزشمندی است که در مبارزات آینده باید هرچه بیشتر بکار گرفته شود. افتخار بر مردم هشیار ما! شجاعت و جانبازی مردم در این خیزش، روحیه نهراسیدن از مرگ و تسلیم نشدن، نقطه قوت مهم این جنبش و الهام بخش است. توده ها در کمیتی بیسابقه طی تمام سالهای اخیر (بیش از چندین هزار تن (به خیابانها سرازیر شده، علیرغم اینکه قوای مسلح ارتجاع بسوی آنها آتش گشودند با شجاعت به درگیری پرداخته و در مقاطعی دشمن را وادار به عقب نشینی و فرار نمودند، برخی از آنها را خلع سلاح کرده و از مزدوران ارتجاع کشته ها گرفتند و از میان صفوف خود قربانی ها بجای گذاردند. مردم، جسد آغشته بخون يك دانش آموز قهرمان را پرچم خود کرده و با روحیه ای تعرضی و انتقامجویانه به درگیری ادامه دادند. این تغییری جدی در روحيات توده هاست. مردم صرفا به مقاومت راضی نبوده بلکه میخواهند انتقام تمام جنایاتی که بر آنها رفته را در نبردی خونین و دلاورانه از دشمن بگیرند. این روحیه ای عالیست. روحیه ای که مرگ را تحقیر میکند و برای از میان بردن نظام ناعادلانه از جان مایه میگذارد. طبقات ارتجاعی حاکم با خطر چنین روحیه ای آشنا هستند. تمام رسانه های گروهی امپریالیستی هنگام گزارش این مبارزه، بر وجود این روحیه تاکید گذارده و آشکارا از پاکگیری چنین روحیه ای ابراز نگرانی میکردند. آنها میدانند که این تمایلات انقلابی و این روحیه از خود گذشتگی زمانی که با آگاهی انقلابی همراه شده و در جهت جنگی نقشه مند و پیروزمند سازمان داده شود، میتواند تمام جهان کهنه شان را از بنیاد بر اندازد. افتخار جاودانه بر جانباختگان قهرمان خیزش مشهد!

حکام جمهوری اسلامی، مذبحخانه به دست و پا افتاده اند. آنها سراپا آکنده از درماندگی به تکرار همان اراجیفی که رژیم شاه در مورد خیزشها و اعتراضات توده ای سال 65 میگفت، پرداخته اند، و تنها تفاوتشان اینست که بجای اینکه بگویند "عوامل خارجی" صحبت از عده ای "مفسد فی الارض" میکنند. برگزاری تظاهراتی از جانب اراذل رژیم، بمنظور خنثی کردن اثرات خیزش مردم، فقط کپی برداری از يك نسخه کاملا ورشکسته است. رژیم میگوید که "این اعمال ضد بازسازی است" سگهای هار میروند سرپناهی که مردم برای خود ساخته اند را بر سرشان ویران میکنند و اسمش را "باز سازی" میگذارند. باز سازی "مرتجعین همین است. باید با همان سلاحهایی که در این مبارزه و دیگر نبردهایمان از دستان کثیف دشمن میگیریم، بحسابشان برسیم. با ضدانقلاب مسلح فقط با جنگ انقلابی میتوان تسویه حساب کرد. رژیم میگوید: مردم در مشهد دست به "غارت" فروشگاهی دولتی زدند. ما میگوئیم: این بسیار عالی و مثبت است. از این پس باید بیشتر هم بکنند. تمام مواد غذایی و مایحتاج اولیه زندگی که در انبارهای دولت و وزارتخانه های آن و اوقاف و بنیادهای زالو صفت رنگارنگ و شرکتهای تجار بزرگ و... پنهان شده، از مردم دزدیده شده و متعلق به مردم است. باید با زور و قدرت جمعی مان هر آنچه را که میتوانیم برداریم و تقسیم کنیم؛ و هر آنچه را که نمی توانیم بسوزانیم چرا که برای مکیدن خون ما و چاق کردن خودشان استفاده خواهند کرد. اگر اینکار را نکنیم، طرحهای ریاضت کشی امپریالیستها که با بیرحمی تمام توسط رژیم جمهوری اسلامی به اجرا گذارده شده، آخرین ذرات حیات ما و فرزندانمان را خواهد ربود. رژیم اسلامی با کمال میل حاضر است ما را در درگاه اربابان خود و برای نجات سرمایه داری جهانی قربانی کند. هدف رفرم های رفسنجانی همین است. رژیم میگوید: مردم فیلمها و اخبار مربوط به خیزش لس آنجلس را دیدند، تحریک شدند و یاد گرفتند. ما میگوئیم: این بسیار خوبست. ستمدیدگان از یکدیگر یاد میگیرند، از مبارزات انقلابی همسرنوشت های خود در اقصی نقاط عالم الهام میگیرند و تجارب و شیوه های یکدیگر را برای نابود

کردن دشمنان طبقاتی مشترک، بکار می‌بندند. این جنبش هم آشکارا از خواهران و برادران طبقاتی خود در شهر لس آنجلس الهام و تاثیر گرفته بود. اما محرك برپائی توده‌های ستمدیده، زندگی مادی، فقر و بی‌چیزی خود توده‌ها و ستم و استثمار جامعه لعنتی طبقاتی، است. این همان چیزی است که در جهان کنونی و بشدت قطبی شده، پرولتاریا و دیگر ستمدیدگان را در لس آنجلس، در بانکوک و در اراک و مشهد به شورش و طغیان می‌کشاند. این روند پرقدرت جنبش توده‌ای يك مشخصه برجسته دوره کنونی از تاریخ جهان است و در کمتر نقطه‌ای از جهان است که امپریالیستها و مرتجعین از ضربات این جنبشها بی‌نصیب مانده باشند. توده‌ها در مقیاس جهانی میخواهند به حساب امپریالیستها و "نظم نوین" جهانی آنها رسیدگی کنند و در ایران هم جایگاه رژیم جمهوری اسلامی را در این "نظم نوین" تعیین کرده اند: گورستان تاریخ!

سران رژیم جمهوری اسلامی در وحشت و هراس دائمی از تداوم و تکامل این مبارزات، سبعمانه دست به کشتار و سرکوب خلق زده اند. دستگیرشدگان "مفسد فی الارض" خوانده شده و محکوم به اعدام شده اند. در مشهد، حکومت نظامی برقرار شده و اراذل و اوباش رژیم به اراغ مردم مشغولند. رژیم سعی میکند تا با داغ و درفش ابتکار عمل توده‌ها را بگیرد و آنها را به عقب بنشانند. اما همین کار باعث میشود تا این حقیقت عمیق که "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید" و خلق نیز باید تفنگ و ارتش خود را بسازد، عمیقتر درک شود. رژیم تلاش نمود تا شورش توده‌های اراک را مخفی کند تا به جایی دیگر سرایت ننماید؛ اما طغیان مشهد قدرتمندتر از آن بود که بتوانند چنین کنند. از اینرو برای اینکه مردم را در دیگر نقاط از دست زدن به مبارزاتی مشابه منصرف سازد، قوای سرکوبگر خود را بیشتر از پیش به میدان آورده و خط و نشان میکشد. همه اینها برای آنست که مردم بیدار شده را منفعل کنند. اما همین سرکوبها، درجه نوینی را برای شورش و مبارزات گسترده باز خواهد گشود. رژیم میخواهد تاکتیکهای رذیلانه روزهای اول بقدرت رسیدن خود را بکار برد و اوباش بسیجی خود را بنام "نیروهای مردمی" بجان مردم بیندازد. باید همان معامله‌ای با اینها شود که با پاسداران شد: یعنی به هلاکت برسند. شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر رفسنجانی و خامنه‌ای" باید فراگیر و گسترده تر شود؛ عمل بسیار صحیح و انقلابی خلع سلاح کلانتریها و مزدوران رژیم باید باز هم صورت بگیرد؛ مردم در همه جا باید بدفاع از خواهران و برادران قهرمان خود در شهر مشهد بپا خیزند؛ بهترین پاسخ به ضدحمله ارتجاع، حمله گسترده است.

امپریالیستها بشدت از مبارزات مردم در شهرهای مختلف بخصوص در شهر مشهد برآشفته شده اند. اول آنکه، بطرز شگفت آوری اخبار این مبارزات را کم‌پخش کرده و ابعاد واقعی آنرا منعکس نساخته‌اند؛ ثانيا سعی میکنند که در همان محدوده‌ای هم که میگویند ملاحظه حال نوکران خود را کرده و روحیه شان را خراب نکنند. تحلیل‌گران امپریالیستی بشکل تهوع آوری تلاش میکنند که مسئله را صرفا بعنوان "مشکل مسکن" و "يك معضل اجتماعی - و نه سیاسی - معرفی کرده و به عملکرد نادرست این شهردار و آن شهردار مربوط کنند؛ یا اینکه علت برپائی مبارزات مردم را رقابت‌های جناحهای مخالف حکومتی در ایران تحلیل کرده و اینکه گویا جناح "تند رو" به این اعمال دامن میزند. آنها بدین طریق میخواهند عامدانه بروی دلایل واقعی خیزش توده‌ها، پرده افکنند. همیشه زمانی که ستمدیدگان بپا میخیزند، امپریالیستها و طبقات ارتجاعی حاکم هم با زور اسلحه و کشتار و هم با دروغهای تنفرانگیز و تهمت سعی میکنند تا واقعیات را پرده پوشی کرده و سردرگمی بیافرینند. تمام اینها بدان خاطر است که اینها از مردم و مبارزاتشان بیش از هر چیز وحشت دارند. قریب یکسال است که امواج مبارزه و مقاومت مردم پی‌در پی بر پیکر رژیم فرود می‌آید. مبارزات توده‌ای گسترده و عموما قهرآمیز، جایگزین نارضایتی و اعتراضات انفعالی گذشته شده است. این مبارزات، نمایانگر پایان يك دوره تاریخی است که با رخوت و انفعال ناشی از شکست انقلاب 75 مشخص میشد. خیزش توده‌ها در شهر مشهد، در این دور نوین از مبارزه، جایگاه مهمی را بخود اختصاص داده است. هم از لحاظ آماج حملات، هم از لحاظ درجه قهر و

خسونت اعمال شده و هم از نظر جمعیت وسیع درگیر مبارزه. این جنبش خودجوشی است که انتظارش میرفت و هیچ جریان متشکلی نتوانسته است نشان رهبری خود را بر آن بزند. در این میان، دو مسئله را میتوان با قاطعیت تاکید کرد: نخست اینکه، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در بحران و ضعف مفرط اقتصادی و سیاسی بسر میبرد و اربابان امپریالیست او نیز که قرار است ناجی اش باشند، خود وضعیت چندان بهتری ندارند و دوم اینکه: توده ها مصمم هستند که مبارزه و تعرض خود را علیه جنایتکاران حاکم به پیش ببرند و جهنم واقعی را در همین دنیا برای دشمنان خود تدارک ببینند. این شورشها و مبارزات بسیار خوب هستند. این نشانه پیاختیاری ستمدیدگان در برابر ستمگران است. بیان بلا رفتن آمادگی و توان توده ها برای رویارویی با دشمنان طبقاتی. این خیزشها اگرچه خودبخودی است؛ اما همانند يك مدرسه جنگ درسهای زیادی را در خود فشرده ساخته است. این مبارزات توده ها و پیشروان انقلابی آنان را سربلند و مغرور میکند و به آنها روحیه و جرات فتح جهان را میدهد. در این خیزشها، ضعف و استیصال و ضربه پذیری دشمنان طبقاتی و در مقابل توان و قدرت توده های متحد و همسرنوشت در جوانب مهمی آشکار میشود. این خیزشها به بسیاری توهمات و خوشحیالی ها در مورد جناح "معتدل" و "تند رو" ضربه میزند و نشان میدهد که چگونه کل ارتجاع حاکم در مقابل ستمدیدگان قرار گرفته و برای حفاظت از نظام ننگینشان از هیچ جنایتی فرو گذار نمی باشند. با تمام این اوصاف، این جنبشها با يك جنگ انقلابی تفاوت کیفی دارند.

راه حل اساسی، نابود کردن کل این نظام اجتماعی است که بر ما حاکم میباشد. امروز، همانند زمان شاه، يك قشر کوچک سرمایه داران بزرگ و زمینداران بر اکثر ابزار تولید و زمینهای کشاورزی و مراعات و آبها و بازرگانی خارجی و داخلی سلطه دارند و با استفاده از این موقعیت و قدرت سیاسی خود و با زور قوانین و قوای نظامی شان، کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا و ملل مختلف را بیرحمانه استثمار کرده و بر ثروت خود و امپریالیستها می افزایند. مردم ما خوب میدانند که تمام شعارهای این رژیم علیه امپریالیسم دروغهای بیمارگونه ای بود که تنها برای فریب مردم بکار میرفت؛ مردم ما خوب میدانند که این رژیم چگونه آخرین لقمه ها را نیز از دهان فرزندانشان می رباید، همه میدانند که افراد بانفوذ این رژیم، غذا، دارو و بقیه مایحتاج مردم را با دلاری 7 تومان از خارج وارد کرده و بحساب 140 تومان به مردم می فروشند و از این طریق جیب اربابان امپریالیست و جیبهای گشاد آخوندی خود را پر میکنند. آنها در مقابل چشمان مردم ما قصر پشت قصر میسازند و در کمال بی حیائی سرپناه محقر مردم را زیادی تشخیص داده و به آن دست درازی میکنند. نفس این انگلهای مفتخور را باید گرفت؛ این حکم مطلق است که باید به اجرا در بیاید.

راه حل، سرنگون کردن این انگلها و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان در شهر و روستاست. مسلما طبقات حاکم بر ایران و اربابان امپریالیست آنها، بسادگی دست از قدرت نخواهند کشید. اینکار فقط با جنگ انقلابی خلق میسر خواهد بود. مائو تسه دون، این بزرگترین رهبر کارگران و دهقانان فقیر و خلقهای ستمدیده جهان، بدرستی بما آموخت که: قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون میآید و برای اینکه ستمدیدگان در نبردشان علیه ستمگران پیروز شوند، يك نقشه جنگی بسیار داهیان را طراحی کرد. ما موظف هستیم که این نقشه جنگی را در شرایط خودمان پیاده کنیم. این جنگی است که ما باید از مناطق روستائی شروع کنیم، چرا که در این مناطق دولت توپ و تانک و حربه های دیگر خود را با قدرت کمتری میتواند علیه ما بکار برد. ما باید تفنگهای خود را از دست نیروهای مسلح رژیم بر باییم و یاد بگیریم که در جنگ خود از سلاحهایی که توده های وسیع بر احتی و با خلاقیت میتوانند استفاده کنند. مثلا دینامیت که در معادن اطراف و اکناف خراسان و سراسر کشور به مقدار کافی یافت میشود. به بهترین نحو سود کنیم. کارگران و دهقانان فقیر با اشتیاق به جنگ خلق خواهند پیوست چرا که این جنگ آنان را از گردونه فقر و فلاکت و عقب ماندگی رها خواهد ساخت. بیش از دهسال است که کارگران و دهقانان در کشور پرو (آمریکای لاتین) تحت رهبری حزب کمونیست پرو با مهارت و کاردانی چنین جنگی را علیه دولت پرو - که آن هم مانند رژیم جمهوری

اسلامی کارگزار امپریالیسم و حکومت طبقات استثمارگر است - آغاز کرده اند؛ آنها توانسته اند از طریق این جنگ بخشهای عظیمی از مناطق روستائی را آزاد کرده و قدرت کارگران و دهقانان که "قدرت نوین خلق" نام دارد را برقرار کنند و از آن بمتابه پایگاهی برای کسب سراسری قدرت سیاسی استفاده نمایند . این "قدرت نوین" زندگی مردم را طوری سازمان داده است که همه با روحیه تعاون و نه سودپرستی و حرص (برای تولید نیازمندیهای جنگ و ضروریات زندگی خود با یکدیگر مشترکا به تولید می پردازند . اگر آنها توانسته اند چنین کنند، ما هم میتوانیم.

خواهران و برادران طبقاتی ما در شهر لس آنجلس آمریکا دست به شورش عظیم زدند . در آمریکا هم يك حزب پرولتری بنام "حزب کمونیست انقلابی" موجود است که ستمدیدگان آن خطه را برای دست زدن به يك جنگ انقلابی آماده میکند تا امپریالیسم آمریکا را برای همیشه از صحنه گیتی محو کنند . آنها کار دشواری در پیش دارند، اما اگر ما جنگ خلق خود را برای بیندازیم به سرمایه داری جهانی ضربات محکمی خورده و کار آنها راحتتر به پیش خواهد رفت .

برای پیشبرد این کار مهم، حزب پیشاهنگ لازم است . يك حزب کمونیست انقلابی که بر علم مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم مسلط باشد و آنرا استادانه بکار برد . بدون چنین حزب پیشاهنگی حاصل مبارزات توده ها را مانند سال 57 دارودسته های ارتجاعی نمیتوانند بدزدند . دشمنان ما حزب و ایدئولوژی خود را دارند . خمینی و دارودسته اش بدون احزاب و ایدئولوژی اسلامی نمی توانستند حکومت اسلامی را بوجود آورند . طبقه ما نیز به حزب و ایدئولوژی خود نیاز دارد . حزب ما يك حزب کمونیست انقلابی است و ایدئولوژی ما مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم، خوانده میشود . تنها این ایدئولوژی است که متعلق به کارگران و تمام ستمدیدگان و استثمارشوندگان جهان از هر ملت، نژاد، رنگ و جنس است . اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) (تشکیلاتی کمونیستی است که این حزب را پایه گذاری خواهد کرد؛ این تنها تشکیلاتی است که پرچم مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم را در ایران حمل میکند . پیشبرد جنگ خلق پیروزمند، نیازمند حزبی است که دارای انقلابیون حرفه ای میباشد . در میان پیشروانی که شورشهای اخیر را براه انداختند، زنان و مردانی موجودند که میتوانند در آینده تبدیل به انقلابیون حرفه ای شوند . وظیفه اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) (این است که با جدیت ایدئولوژی و خط خود را بمیان اینان برده و تشکیلات خود را در بین این مبارزین بیباک بسازد . ما در اینراه از هیچ فداکاری و کوششی فروگذار نخواهیم بود . جمهوری اسلامی به سازمان ما ضربات سختی وارد آورد تا در چنین روزهای کمونیستهای انقلابی در میان توده ها نباشند؛ اما نتوانست آنرا از میان ببرد . در تمام این سالها ما با افتخار پرچم سرخ رهائی ستمدیدگان را برافراشته نگاه داشتیم و آماده ایم که با تمام قوا و بدون هراس از سختی و مرگ، آنچه که توده ها بدان نیاز مندند - یعنی ایدئولوژی انقلابی، خط و استراتژی پیروزمند و تشکیلات کمونیستی انقلابی - را به آنان بدهیم . اکنون با یاری بیدریغ تحتانی ترین اقشار جامعه و نسل نوینی از مبارزین که پا به میدان گذارده اند، این وظایف را سریعتر عملی خواهیم ساخت و به رژیم جنایتکار خواهیم فهماند که تاریخ را توده ها خواهند نوشت .

برافراشته باد پرچم ظفرنمون جنگ خلق!

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم!

پیش بسوی تشکیل حزب کمونیست انقلابی ایران!

زنده باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

خرداد 1371